



از اینکه آنها از من می‌ترسند به خودم می‌بالم

گفتگو با لیبرمن

منبع: هاآرتص ۱۱ / ۹ / ۲۰۰۶

مترجم: علی عباسی

پیش‌بینی شکست جمهوری خواهان در امریکا و کم‌رنگ شدن سیاست تهدید نظامی علیه ایران در زمان دموکرات‌ها اولین بار با یک انتصاب حکومتی در رژیم صهیونیستی خود را نشان داد. با شکست مفتضحانه اسرائیل در جنوب لبنان و اعتراف به آن از سوی مقامات سیاسی – امنیتی و نظامی اسرائیل، خلأ حیثیتی عجیبی بر فضای سیاسی حاکم بر رژیم اشغال‌گر قدس حاکم شد و اگر تا زمانی، با تکرار تهدیدات علیه ایران می‌شد که جو سرخورده موجود را آرام کرد، با شکست جمهوری خواهان این ناکامی افزون گشت و یهودیان هراسان که به مهاجرت معکوس آنان افزوده می‌شد، به دنبال امنیت یا حداقل فریاد ظاهری آن بودند.

در واقع انتصاب افیگدور (اویگدور) لیبرمن رهبر حزب یسرائیل بیتینو که در کنست یازده کرسی دارد و به دیدگاه‌های ضد عربی و ضد ایرانی معروف است، پاسخی به این نیاز روحی در اسرائیل بود.

وزارت جدیدالتأسیس لیبرمن تحت عنوان تهدیدات استراتژیک، به بهانه سخنان و مواضع رئیس جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که در پرتو آن کلیه تهدیدات اعم از داخل و خارج رژیم صهیونیستی را نیز شامل می‌شود.

عده‌ای معتقدند که با آمدن لیبرمن، برای اعراب ۴۸ روند سازش، حکومت مردمی حماس، دولت خودگردان و تمام مظاهر غیر صهیونیستی، مشکلات و محدودیت‌های ویژه‌ای وضع خواهد شد. ولی با یک رویکرد واقع‌بینانه، به این مهم پی خواهیم برد که این سیاست نیز همچون طرح‌های دیگر سرپوشی بر شکست‌های پی در پی این رژیم در مقابل مقاومت، انتفاضه و حقانیت اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

افیگدور لیبرمن رهبر حزب یسرائیل بیتینو معتقد است که می‌تواند یک نخست‌وزیر یا وزیر دفاع موفق باشد در حالی که این پست‌ها هم‌اکنون در دست افراد موفق نیست. لیبرمن می‌گوید:

دولت در کل آن طور که باید به وظایف خود عمل نمی‌کند. مثلاً عمیر پیرتس که حتی

نزدیکان نخست‌وزیر نیز معتقدند عملکرد او ضعیف بوده است.

لیبرمن عضو مجلس کنست دارای شخصیتی قوی است که مواضع سخت‌گیرانه و خوبی دارد او با هوش و حاضر جواب است ولی در سخنرانی‌هایش همیشه جانب اعتدال را رعایت می‌کند. طبق نظرسنجی که د. مینا تسمیح انجام داد، اگر در حال حاضر انتخابات برگزار شود، حزب یسرائیل بیتینو، به جای یازده کرسی، به هفده کرسی مجلس دست می‌یابد و ۱۸٪ مردم اسرائیل انتخاب افیگدور لیبرمن را به عنوان نخست‌وزیر تأیید می‌کنند. این مسائل لیبرمن را بر

آن داشته که به قله هرم قدرت اسرائیل صعود کند تا اولین نخست‌وزیر از اعضای مهاجرین کشورهای کومنولث باشد. ولی هنگامی که از لیبرمن سؤال شد که آیا همه توانایی‌های لازم را برای احراز این پست دارد، با فروتنی پاسخ داد من به این چیزها اهمیت نمی‌دهم. تمام تلاش من درباره چیزهایی است که مردم اسرائیل به آن اعتقاد دارند. در این مورد تمام تلاش خود را انجام می‌دهم و مردم نیز قاضی عملکرد من خواهند بود.

لیبرمن معتقد است که او قدرت و صلاحیت احراز پست وزارت دفاع را با موفقیتی بسیار بیشتر از عمیر پیرتس دارد حتی با وجود اینکه او آخرین کسی است که هیچ حاشیه امنیتی ندارد می‌گوید:



امروزه دیگر هیچ اختلاف اساسی بین اداره یک سازمان بزرگ مثل وزارت دفاع و

اداره یک پروژه خاص وجود ندارد. اگر یک طرح مدیر خوبی داشته باشد متحول می‌شود، چون این مدیر خوب، روش گذراندن طرح را از تنگناها می‌داند، در مقابل اگر طرح موفق را به یک مدیر ناکارآمد بدهیم آن را خراب می‌کند و از بین می‌برد. من تمامی خواسته‌هایم را می‌شناسم همچنین تجربه کافی در سازماندهی و اداره امور دارم. از لحاظ استراتژیک نیز تمامی چیزهایی که چهار سال پیش در کتاب *واقعیت من* در مورد تهدید اسرائیل به وسیله موشک نوشته‌ام به وقوع پیوسته است. همچنین در آنجا ذکر کردم که نظریه اتکاء صرف به نیروی سلاح‌های هوایی اشتباه است و همه هشدارهایی که درباره خطر ایران داده بودم درست از آب درآمد به همین خاطر چیزی که مانع احراز پست وزارت دفاع توسط من باشد را در مقابل خود نمی‌بینم.

لیبرمن فعالیت سیاسی خود را در دوران تحصیل در دانشگاه عبری در قدس آغاز کرد. او در جمعیت راست‌گرای دانشجویی کاستل به قسمت جنبش هاحیروت قدس پیوست. در سال

۱۹۹۲ م وقتی که بنیامین نتانیاهو به ریاست حزب لیکود انتخاب شد، لیبرمن مدیر کل جنبش لیکود شد. او در مسأله تعیین رونی باراون به عنوان مشاور حقوقی دولت نیز مداخله داشت تا آنجایی که هنگامی که پلیس پیشنهاد دادگاهی شدن لیبرمن را داد با دخالت مشاور حقوقی دولت مسأله به نفع او پایان یافت.

حماس در غزه به ساختن خندق‌ها و تونل‌ها اقدام می‌کند و اگر کسی فکر کند که ما با طرح تجمیع می‌توانیم این مشکل را برطرف کنیم اشتباه کرده است. پروژه قطع ارتباط نیز به مانند عقب‌نشینی یک‌جانبه از لبنان در سال ۲۰۰۰ م ما را ضعیف‌تر کرده است. متأسفانه من می‌ترسم هزینه زیادی درباره این مسائل پردازیم.

در سال ۱۹۹۸ م لیبرمن حزب یسرائیل بیتینو را تأسیس کرد و با این حزب نوپا به چهار کرسی در انتخابات دست یافت. در سال ۲۰۰۱ م لیبرمن وزیر شد. او تقریباً یک سال، در دولت اول آریل شارون، وزیر امور زیربنایی بود. در شانزدهمین دوره انتخابات کنست، در سال ۲۰۰۳ م، لیست اتحاد ملی یسرائیل بیتینو به رهبری لیبرمن هفت کرسی به دست آورد (لیبرمن نیز وزیر ترابری شد

ولی بعد از حدود یک سال به خاطر اختلاف نظر با شارون عزل شد). در انتخابات گذشته حزب یسرائیل بیتینو یازده کرسی به دست آورد و از لحاظ تعداد کرسی در کنست، پنجمین حزب شناخته شد.

❖ آیا از لحاظ قومی در یک وضعیت بحرانی قرار داریم؟

قطعاً؛ مردم بعد از جنگ اخیر لبنان نوعی بحران را حس می‌کنند و ناراحتی و فشار و سرخوردگی آنان را آزار می‌دهد، همچنین آنها دچار نوعی سردرگمی نیز شده‌اند.

❖ اگر وضعیت تا این حد بحرانی است، چرا کابینه ملی بحران تشکیل نمی‌دهید؟

این امر نیاز به جمع‌آوری همه نیروها دارد قبل از این کار باید هدف خود را مشخص کنیم. چگونه ممکن است ما با حزب کارگر به رهبری عمیر پیرتس توافقنامه برنامه سیاسی مشترک امضا کنیم، در حالی که آنها در حال مذاکره با سوریه هستند که از بلندی‌های جولان

عقب‌نشینی کنند.

❖ برای پیوستن به دولت چه شرایطی دارید؟

قبل از هر چیز باید یک کمیته دولتی تحقیق تشکیل شود تا اطمینان مردم را به حکومت جلب کند و همچنین ارتش‌ها را نیز نسبت به رهبران خود مطمئن کند. این کمیته‌هایی که اولمرت می‌خواهد تشکیل دهد جلب اعتماد نمی‌کند بلکه فرصت بازگشت این اعتماد و اصلاح آسیب‌های آن را هم از بین می‌برد. او با این کار تلاش می‌کند از مسئولیت فرار کند و از نتایج واقعی کمیته تحقیق بگریزد. همه می‌دانند که من با این کمیته‌های دولتی تحقیق موافق نیستم ولی این بار چاره‌ای جز آن نداریم چرا که مردم به بقیه کمیته‌ها هیچ اعتمادی ندارند.

همچنین می‌خواهیم یک سیستم اصلی در مورد بی‌ثباتی‌ای که رژیم از آن رنج می‌برد ایجاد شود و از دولت انتظار داریم که طرح تجمیع و ایجاد قانون ازدواج (به جای ازدواج شهروندی) را لغو کند و از نخست‌وزیر نیز می‌خواهیم که از طرح‌هایی که به صورت غیر قانونی شهرک‌سازی را کند می‌کند دست بردارد.

❖ آیا فکر می‌کنید اولمرت با ائتلاف فعلی می‌تواند دولت را اداره کند؟

قطعا اولمرت می‌داند که اداره دولت با ساختار کنونی تداوم نخواهد داشت و همه می‌دانند که دولت آن‌گونه که باید، به وظایف خود عمل نکرده است. اتفاق‌هایی که در حزب کارگر رخ می‌دهد، حرف‌های شائول موفاز وزیر دولت درباره شریکانش در حزب کادیمیا و تهدید حزب بازنشستگان به استعفا از دولت، همه و همه نشان می‌دهد که این ائتلاف پایدار نیست و هر عضوی در این ائتلاف یک گرایش دارد. اتفاق‌هایی که درباره بودجه دولت پیش آمد نیز شاهد خوبی برای بی‌انضباطی دولت بود.

❖ آیا همکاری و هماهنگی بین گروه‌های راست‌گرا در زمینه امکان پیوستن به ائتلاف دولت

وجود دارد؟

هیچ هماهنگی بین ما نیست، هر حزب خودش به تنهایی فعالیت می‌کند.

❖ چرا برای وحدت تمام نیروهای راست‌گرا اقدام نمی‌کنید؟

اختلافات زیادی بین ما و دیگر احزاب راست‌گرا وجود دارد. ما یک حزب قوم‌گرا هستیم حتی می‌توانم بگویم یک جنبش قوم‌گرا هستیم. ما لائیک هستیم اما دین را هم محترم می‌شماریم. مثلاً قانون ازدواج و امثال آن را تأیید می‌کنیم، اما فکر می‌کنم مثلاً اتحاد قوم‌گرا - مفاصل - این قانون را تأیید کنند. ما اقتصاد آزاد و ارزش‌های لیبرالیستی را قبول داریم و معتقدیم که نباید ارزش خود را در مقابل جهان عرب کم کنیم. در این موارد ما علاوه بر حزب اتحاد قومی، با حزب لیکود نیز اختلاف نظر داریم.

❖ چرا روابط شما و نتانیاهو تیره شد؟ شما روزگاری دوستان بسیار نزدیک هم بودید؟ در زمان انتخابات بین ما اختلافاتی پیش آمد، اکنون روابط ما با هم خوب است اما هیچ همکاری و هماهنگی بین ما نیست. واضح است که ما در رأس دو حزب قرار داریم که بر سر آرای یک ملت با هم رقابت می‌کنند.

❖ اگر از نتانیاهو خواسته شود حکومت جدیدی تشکیل دهد، آیا شما به دولت می‌پیوندید؟ من هیچ‌کس را رد نمی‌کنم. طبعاً همکاری با حزب لیکود را هم رد نمی‌کنم. خط سیاسی لیکود به حزب اسرائیل بیتینو خیلی نزدیک‌تر از کادیم است.

❖ به نظر شما در پی شکست اسرائیل در جنگ دوم لبنان آیا اولمرت و پیرتس باید استعفا کنند یا نه؟

شکی نیست که در حال حاضر ما در مقابل سه نماد از نمادهای عدم قبول مسئولیت قرار داریم. منظورم اولمرت، پیرتس و رئیس ستاد مشترک ارتش، حالتص، است. همه می‌دانند که ما نمی‌توانیم مسئولیت این شکست را تحمل کنیم. اینها نمایندگان رهبران ناکارآمدی هستند که در سراسر ارتش اسرائیل وجود دارند. به همین علت این اولین باری است که تا این حد شاهد بحران بی‌اعتمادی مردم نسبت به رهبران سیاسی و نظامی هستیم.

❖ جواب شما درباره سخنان عمیر پیرتس در دیدار جمعه گذشته با روزنامه یدیعوت احرونوت چیست؟ او گفته بود که با شما در یک کابینه شرکت نمی‌کند و شما را فردی بدون آگاهی معرفی کرده بود همچنین اوصاف تحریک‌آمیزی نیز برایت ذکر کرده بود.

مشکل پیرتس درباره شخص لیبرمن نیست بلکه مشکل او نزدیکان نخست‌وزیر هستند که عملکرد او را ضعیف می‌دانند. بنیامین بن الیعیزر، همکار او در حزب، بعد از پایان جنگ گفت: نتایج این جنگ مانند یک شکست سیاسی - امنیتی بود. پیرتس باید با اینها رو در رو شود نه با من.

❖ اگر به این نتیجه می‌رسید که این رهبران سه‌گانه باید نتایج را شفاف‌سازی کنند، پس چرا می‌خواهید کمیته بررسی تشکیل دهید؟

در هر کاری باید کمیته بررسی تشکیل شود. قبل از هر چیز نیز باید آنچه در عرصه داخلی روی می‌دهد مورد تحقیق قرار گیرد. همان جایی که هیچ‌کس مسئولیت افراد مسن و مریض و کودکانی را بر عهده نمی‌گیرد که یک ماه در پناهگاه‌ها ماندند و امکان فرار نداشتند. در زمینه وسایل ارتباط جمعی نیز ابهامات زیادی وجود دارد. باید درباره برنامه‌های متناقض و نامناسبی که پخش می‌شود تحقیق شود. در زمینه نظامی نیز همین طور است. به عنوان نمونه دلایلی که به موجب آن رئیس ستاد مشترک، قائم‌مقام خود موشیه کبلانیسکی را به سرتیپ اودی آدم ترجیح داد و او را رهبر جبهه

نصرالله باید از مدت‌ها پیش کشته می‌شد. او باید بداند که از مدت‌ها پیش هدف گرفته شده است. هیچ‌کس نباید غیر از این فکری کند.

شمالی کرد، مشخص نبود؛ کاری که پیامدهای مصیبت‌باری برای ما داشت از همان ابتدا باید عملیات زمینی در خاک لبنان در دستور کار قرار نمی‌گرفت و زمانی که بالاخره تصمیم به انجام عملیات زمینی

گرفتند آن را به شکل بسیار بد انجام دادند، به طوری که هیچ اراده و تصمیمی درباره ادامه آن نداشتند. من معتقدم که اتخاذ تصمیم‌ها باید قبل از ورود به جنگ صورت گیرد نه در طول جنگ.

❖ نظر شما درباره عدم تأثیر تظاهرات احتیاطی در جمع شدن نیروها چیست؟

دیگر زمان تجمع تظاهرکنندگان در میدان‌ها گذشته است. ما در عصر اینترنت و تلویزیون

زندگی می‌کنیم. امروزه دیگر پیروزی یک جنبش در هزاران نفر که با اتوبوس به خیابان‌ها می‌آیند و تظاهرات می‌کنند نیست، بلکه این پیروزی از طریق نظرسنجی افکار عمومی سنجیده می‌شود. با این حال بر من روشن است که جنبش احتیاطی تأثیر زیادی داشت. به یاد دارم که هیچ دولتی به اندازه این دولت بعد از مدت کوتاهی که از شکل‌گیری آن می‌گذرد در زمان نظرسنجی‌ها تا این اندازه سقوط کرده باشد.

❖ چرا ارتش اسرائیل نتوانست حزب‌الله را به زانو درآورد؟

مشکل ما فقط مشکل رهبری بود. قبلاً ذکر کردم ما ارتش بسیار خوبی داریم که آماده فداکاری و جنگ غرورآمیز است ولی فرماندهی ما اشتباهات زیادی مرتکب شد، سیستم رهبری فعلی پافشاری بر کارها ندارد، ما سیستم امنیتی داریم که از نوعی روزمرگی و جمود فکری رنج می‌برد و مثل گذشته ابتکار و خلاقیت ندارد. به این دلایل متأسفانه ما در این جنگ پیروز نشدیم.

❖ آیا نتایج جنگ ابهت ارتش اسرائیل را زیر سؤال برد؟

قطعاً؛ به تغییر روش سوریه در برابر ما بعد از جنگ دقت کنید! در روزهای اول آنها ساکت بودند ولی اندکی قبل از پایان جنگ می‌گفتند ارتش سوریه بلندی‌های جولان را با زور آزاد می‌کند. آنها به این صورت یک اعتماد به نفس در رویارویی با ما به دست آوردند. تا هنگامی که حزب‌الله در مقابل ارتش اسرائیل مقاومت می‌کند آنها نیز می‌توانند این کار را بکنند.

❖ ارتش اسرائیل برای به دست آوردن مجدد اقتدار خود چه کارهایی باید انجام دهد؟

ارتش به کارهایی که باید انجام دهد آگاهی دارد. همه ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که ضعفی که اسرائیل در طول جنگ دچار آن شد مانند شکافی است که دزد را فریب می‌دهد. ما باید بعد از این وارد یک جنگ دیگر بشویم. متأسفانه واضح است که نمی‌توان جلوی جنگ آینده را گرفت. همه چیز می‌تواند پیش بیاید، ممکن است با سوریه وارد جنگ شویم یا اینکه هم‌زمان با سوریه و ایران و حزب‌الله بجنگیم.

❖ آیا معتقدید ما باید شیخ [سید] نصرالله را بکشیم؟

نصراالله باید از مدت‌ها پیش کشته می‌شد. او باید بداند که از مدت‌ها پیش هدف گرفته شده است. هیچ‌کس نباید غیر از این فکر کند.

❖ شرایط شما برای گفتگو با سوریه چیست؟

من هیچ مشکلی در گفتگو با آنها ندارم، البته به شرطی که آنها بفهمند که بلندی‌های جولان هرگز به آنها باز پس داده نمی‌شود. به خاطر مسائل امنیتی به خودمان اجازه نمی‌دهیم که از آنجا عقب‌نشینی کنیم. مخصوصاً در زمانی که تمام رهبران سازمان‌های تروریستی در دمشق گرد هم آمده‌اند. ما می‌توانیم با سوریه همان کاری را انجام دهیم که با اردن انجام دادیم. یعنی بلندی‌های جولان را به مدت دویست سال اجاره کنیم.

❖ شما در حالی این موضوع را مطرح می‌کنید که هزاران موشک سوریه مراکز مسکونی اسرائیل را هدف گرفته است. آیا توافقنامه صلح با سوریه آنها را از محور شرارت دور نمی‌کند؟

ضعف در خاورمیانه به آغاز جنگ منجر می‌شود و آن را دور نمی‌کند، به حوادث نوار غزه دقت کنید. تمام چیزهایی که در لبنان دیدیم اکنون در غزه می‌بینیم. گذرگاه رفح دیگر وجود ندارد. هزاران اسلحه و چندین تن ذخیره محصر از طریق محور فیلادلفیا (صلاح‌الدین) به فلسطین می‌رسد. حماس در غزه به ساختن خندق‌ها و تونل‌ها اقدام می‌کند و اگر کسی فکر کند که ما با طرح تجمیع می‌توانیم این مشکل را برطرف کنیم اشتباه کرده است. پروژه قطع ارتباط نیز به مانند عقب‌نشینی یک‌جانبه از لبنان در سال ۲۰۰۰ م ما را ضعیف‌تر کرده است. متأسفانه من می‌ترسم هزینه زیادی درباره این مسائل بپردازیم.

❖ چرا اسم شما این‌قدر در محافل اسرائیل جنجال‌آفرین است؟ چرا این‌قدر از شما می‌ترسند؟

اولاً از اینکه آنها از من می‌ترسند به خود افتخار می‌کنم. در زمان مناخیم بگین نیز درباره‌اش این بحث‌ها مطرح بود. درباره آریک [آریل] شارون نیز این‌گونه بود. این موضوع از نظر کینه‌توزانه آنها سرچشمه می‌گیرد. علاوه بر این قسمتی از مردم اسرائیل هنوز مرا به علت

روسی‌الاصل بودنم به عنوان یک اسرائیلی قبول نمی‌کنند.^۱ شخصیت من نیز چیزهایی در خود دارد که مورد نفرت بعضی از آنها است، من یک شهرک‌نشین روسی هستم که دوست آریک شارون نیز می‌باشم.



۱. بسیاری از خاخام‌های اسرائیلی معتقدند که یهودیان روسیه، اصالت نژادی یهودی ندارند. در واقع این تعداد از یهودیان بنا بر نظر آرتوکستلر اصالتاً از قوم خزران هستند که بعدها به دین یهود در آمده‌اند و حال آنکه از نظر آنان ملاک یهودی بودن، داشتن نژاد یهودی است و نه ایمان و دین یهودی.